

دومین نقش برجسته ساسانی

در دارابگرد فارس

فاطمه شفیعی

موقعیت جغرافیایی محل کشف سنگ :

شهرستان داراب در جنوب شرقی استان فارس و بر سر راه اصلی شیراز - بندرعباس در ۲۵۰ کیلومتری از مرکز استان واقع شده است .

این شهر به فاصله ۱۱ کیلومتری ویرانه های شهر داربگرد قرار دارد ، در جنوب شهر داراب کوهی به نام پهنا (محاوره ای پنهو (Pahnoo) که حدود پنج کیلومتر طول دارد و بر فراز آن آثاری از دوران پیش از اسلام دیده می شود .

در دامنه شمالی این کوه جدول آبی به طول پنج کیلومتر هنوز وجود دارد که آب را به سوی آتشکده آدرخش که امروزه به مسجد سنگی شهرت دارد ، می رساند .

در ابتدای این کوه و در سمت جنوب از طرف جاده داراب - شیراز ، نقشی بزرگ از پیروزی شاپور اول ساسانی بر والرین امپراطور روم نشان داده است . که امروزه این نقش را شاپور می نامند اما در گذشته نقش رستم دارابگرد می گفته اند .

در پای کوه و زیر نقش ، چشمه ای بزرگ وجود دارد که ژرفای آن حدود ۲ متر می باشد که در سالهای خشکسالی این ژرفاکتر می شود و به نحوی که در سال ۱۳۷۹ چشمه کاملاً خشک شده بود و داغ آب حدود ۲ متر را نشان می داده است .

رخداد کشف

در اواسط شهریور ماه ۱۳۶۷ آب چشمه داراب کاهش یافت و این عاملی شد که افرادی در آب آن ، آب تنی کنند . یکی از آنان بطور تصادفی متوجه نقشی روی یکی از سنگهای داخل آب می شود . گزارش آن به اداره کل میراث فرهنگی استان فارس داده می شود و کارشناس اداره به محل اعزام می گردد و نقش را مورد بررسی قرار داده و سنگ را به بیرون از چشمه انتقال می دهند .

اقدام به دزدیدن

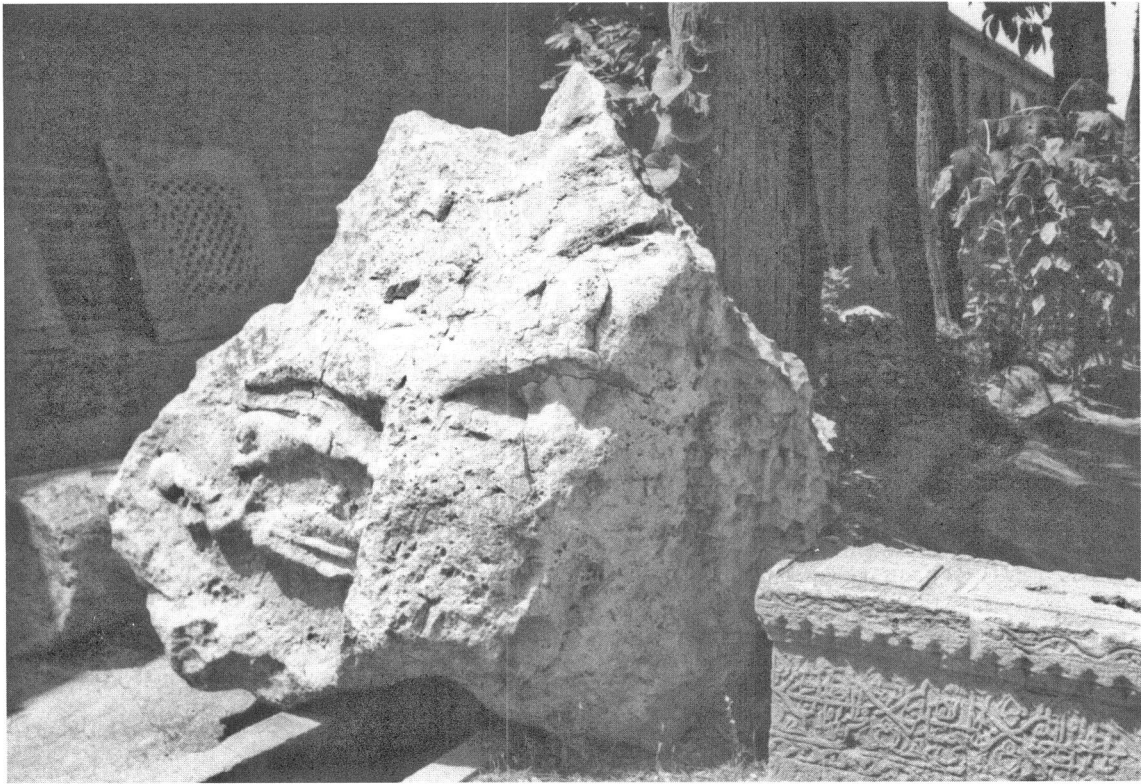
در زمستان سال ۱۳۷۶ عده ای سود جو قطعه سنگ مزبور را از کنار چشمه به جایی دیگر منتقل می کنند که نیروهای انتظامی آگاه شده ، و آنها را توقیف کرده و سنگ را به پاسگاه برده و در آنجا نگهداری می کنند .

سال ۱۳۸۰ اداره کل میراث فرهنگی فارس آنرا به شیراز منتقل و با جرثقیل آنرا داخل محوطه باغ هفت تنان نزدیک در شرقی قرار می دهد .

و اینک جزو آثاری سنگی این گنجینه (موزه هفت تنان) محسوب می شود .

وضعیت نقش

تردیدی نیست که این قطعه سنگ بزرگ حدود ۱ یا ۲ تنی در همان زمان احتمالاً شاپور اول ، در بیرون از چشمه قرار



تصویر شماره ۱ - طرز قرار گرفتن سنگ در باغچه هفت تن.

- وزن سنگ حدود ۱ یا ۲ تن می باشد و مشخص است که از دل صخره بیرون آورده نشده و جزء قطعات سنگ رها شده در دامنه کوهها بوده است .

- جنس این سنگ رسوبی آهکی است . (تصویر شماره ۱)

شرح نقش

در گزارش آقای مسعود جوکار کارشناس وقت اداره میراث فرهنگی آمده است که در این نقش شاپور اول در حال حمله به یک رأس شیر می باشد اما تاج شاپور در این نقش با نقشی که از همین پادشاه در دامنه کوه و پای چشمه است تفاوت دارد .

البته غیر از گزارش این کارشناس ، دکتر دیتیش هوف در مقاله «داراب پایتخت ایالتی» در مورد این نقش چنین شرح می دهد .

« با کشیدن آبهای زیر زمینی برای آبیاری مزارع و نتیجتاً فرو نشستن سطح آب دربرکه چشمه که اکنون تقریباً نزدیک به خشک شدن است . یک قطعه صخره عظیم که تا کنون زیر آب بوده پدیدار شده که روی آن نقش بر جسته ای با عرض

داشته است . اما درچه زمانی به داخل آب افتاده است مشخص نیست .

نکته اول : آنکه افتادن این سنگ در داخل چشمه آگاهانه بوده است و یا نا آگاهانه بر مامعلوم نیست .

نکته دوم : از وضع نقش کاملاً مشخص است زمان بسیار طولانی - احتمالاً از همان دوره ساسانی یا در زمان تسلط لشکر اسلام بر دارابگرد - در آب افتاده است زیرا قستهای رویه نقش در اثر جریان آب محو شده است .

وضع فیزیکی سنگ

- این سنگ دارای شکل هندسی خاصی نمی باشد و سنگتراش توانسته است در یک سمت آن این نقش را حک کند.

- قاب نقش در اندازه ۷۲×۶۹ سا نتیمتر است.

و طول تقریبی ۶۵ سانتیمتر از شاپور با تاجی کنگره دار حجاری شده است.

طبق نمونه های تصویر شده در در گاههای ورودی تخت جمشید که پادشاه هخامنشی یا قهرمانی را درجنگ با شیر یا یک هیولا نشان می دهد ، در این جا حکمران ساسانی با دشنه شیری را که روی دو پانصدگانه* است می کشد. سطح روی نقش برجسته را آب چنان به سختی شسته است که جزئیات آن به دشواری قابل شناسایی است. در حالی که نقش برجسته بزرگ از نظر ارتباط با صحنه به صورتی آشکار اشاره به شاپور اول دارد، در این نقش چون جزئیات متمایز کننده تاج کنگره داری که هر دو بر سر دارند تقریباً غیر قابل شناسایی شده است ، نمی توان با اطمینان تشخیص داد که شاپور اول یا شاپور دوم را نشان می دهد. برای شاپور اول نه فقط علائم روی سر پادشاه (که برای شاپور اول دو طرف آویخته بر روی گونه ها می توانستند صفت ممیزه باشند)، بلکه ارتباط با نقش برجسته بزرگ نیز گویا است. بهر حال ، به طوری که نشان داده می شود، شاپور دوم نیز رد پای از خود در منطقه داراب گرد بجا گذاشته است.»^۱

بعد از هوف ، دکتر مسعود آذرنوش ، برای میراث فرهنگی استان فارس و همچنین برای دادگستری فارس در مورد این نقش چنین شرح می دهد:

« بر روی این قطعه سنگ یک نقش برجسته دیده می شود که نمایشگر صحنه کشتن شیر توسط یک پادشاه ساسانی است. نمونه مشابه یعنی صحنه کشتن شیر توسط یک پادشاه ساسانی از نقش شناخته شده و به زمان بهرام دوم (پایان سده سوم میلادی) نسبت داده شده است.

با وجود تاج شخصیت حاضر به رغم ضایعات، به روشنی نشان دهنده این است که تا کنون از تاج شاهپور یکم چنین نقشی بدست نیامده است همین موضوع از اثر سرقت شده یک اثر منحصر به فرد تاریخی و باستان شناسی می سازد که ارزش معنوی زیادی برخوردار است.»^۲

اثر باقی مانده نقش برجسته

متأسفانه صدمات ناشی از جریان آب رودخانه درمدت زمان طولانی بر روی نقش سنگ و همچنین عوامل آب و هوایی، سردی و گرمی ناگهانی منطقه در زمان بیرون بودن آن از آب باعث شده که بسیاری از قسمت‌ها و جزئیات نقش محو و از بین رود و از این رو تشخیص دقیق آن که متعلق به کدام پادشاه ساسانی است را با مشکل مواجه می کند.

پادشاه ساسانی در سمت چپ به ارتفاع ۶۵ سانتیمتر کلاهی کنگره دار که گوی بزرگی در بالای آن است بر سر دارد و موهای پر چین و شکنش تا روی شانه هایش است. لباس او شامل بلوز و شلوار گشاد و موج است که رویه آن بر اثر جریان آب شسته و از بین رفته است و شمشیر بلندی در جلوی لباسش نیز آویزان است.

در مقابل او شیری به ارتفاع ۴۴ سانتیمتر روی دو پای بلند شده و دست چپ شیر بر روی دست چپ شاه است همانند این است که می خواهد آن را کنار زند. و با پای راست بر پای شاه فشار می آورد تا تعادلش را بر هم زند و شاه با آرامشی خاص و با قدرت با دست چپ سر شیر را نگه داشته و با دست راست خنجر را در سینه شیر فرو برده است. (تصویر شماره ۲)

متأسفانه بر روی بدن شیر خصوصاً در قسمت‌های کمر و پاها شکاف بزرگی ایجاد شده که خود باعث فرو ریختن تکه های بیشتری از سنگ می شود. (رویه سنگ بخاطر فشار آب بسیار متخلخل شده است.)

(شاه یا پهلوان مبارزه گر در نقشها)

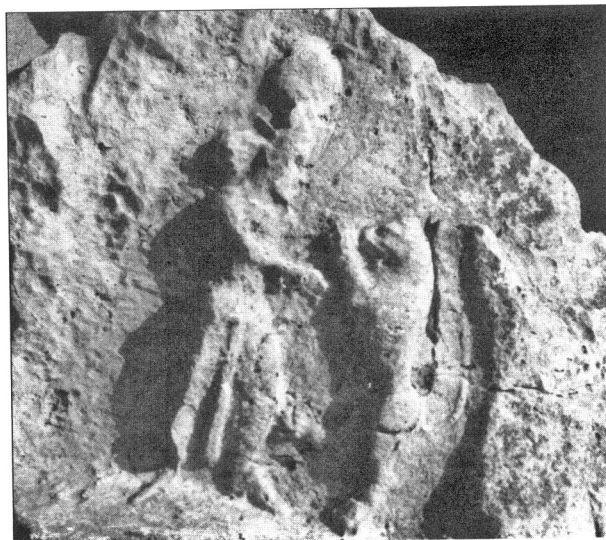
نقش برجسته های ساسانی اطلاعات ذیقیمتی در مورد وضعیت اجتماعی ، سیاسی و رخداد های آن دوران به ما می دهد. بیشتر نقش برجسته های ساسانی صحنه های تشریفات درباری ، پیروزی بر دشمنان ، نمایش قدرت و تاج ستانی شاه از اهورا مزدا، نیروی برتر را نشان می دهد. نقش برجسته های ساسانی اکثراً دارای ویژگیهای یکسانی هستند از جمله آنکه :

آن را بسیار منحصر به فرد نشان می دهد. مبارزه با حیواناتی نظیر شیر، گاو، گوزن و حیوانات افسانه ای در ایران و دیگر کشورها قدمتی دیرینه دارد. در خاور نزدیک خصوصا همسایه ایران یعنی بین النهرین، میتوان در داستانهای اساطیری و نقش های بر جای مانده شان اینگونه تصاویر را یافت.

« شیر حیوانی بومی ایران و بین النهرین و شکار آن برای شاهان و اشراف ایران در حکم یک تکلیف بود، زیرا آنها مثل هزار سال قبل، تنها افراد دارای سلاحهای کافی برای انجام این کار بودند.

دیگران آن را رمز و نشانه پیروزی نیکی بر بدی دانسته و عده ای نشانه هایی از پرستش متیرا را در آن می بینند.»^۲
 برای مثال روی یک « مهر استوانه ای متعلق به ۲۷۰۰ قبل از میلاد از سنگ، به بلندی تقریباً ۴ سانتی متر که در موزه شرقی دانشگاه شیکاگو نگهداری می شود. نقشی را نشان می دهد که پهلوانی با یک گاو نر می جنگد و موجودی نیمه انسان و نیمه گاو با یک شیر دست و پنجه نرم می کند.»^۴ (تصویر شماره ۳) البته نقش های دیگری از مبارزه انسان با شیر و حیوانات دیگر وجود دارد. اما موضوع بحث در اینجا نیست.

همچنین در نقش برجسته آشوربانی پال، شاه آشوری در حال کشتن شیر نشان داده شده است. و تصویر شیر که



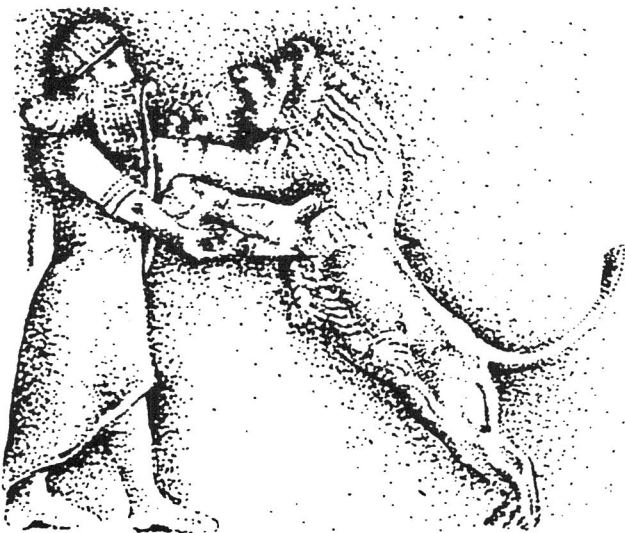
تصویر شماره ۲- نبرد شاپور با شیر بر روی سنگ مزبور

همه آنها در بدنه ارتفاعات و در کنار جاده های اصلی و شاهراه ها ایجاد شده اند هدف از ایجاد نقش ها نشان دادن قدرت و عظمت پادشاه و بیان حوادث تاریخی است. کمتر صحنه ای دیده شده که شاه یا پهلوانی در حال نبرد با حیوانی تنها در صحنه باشد.

نقش صخره ای موضوع مقاله ای حاضر از لحاظ اندازه و ارتفاع و عمق تراش، نسبت به نقش برجسته های دیگر ساسانی که در دل کوه تراشیده شده است اندازه ای کوچک تری دارد. اما نو و جدید بودن سبک نقش در دوره ساسانی



تصویر شماره ۳- مهر استوانه ای متعلق به ۲۷۰۰ سال قبل از میلاد. برگرفته از کتاب اسطوره های بین النهرین



تصویر شماره ۴ - مقایسه نقش برجسته ساسانی با نقش برجسته آشور بانیپال و نقش برجسته هخامنشی در تخت جمشید.

بر دو پا بلند شده است کاملاً طبیعی است. اما نقش برجسته‌های (شاه پهلوان) در تخت جمشید که بر گرفته از

هنر بین النهرینی است جنبه تخیلی دارد. (تصویر شماره ۴) در ایران نیز همانند بین النهرین می توان بر روی ظروف و جامهای بر جای مانده مبارزات بسیاری بین انسان و حیوانات مختلف را مشاهده کرد.

در نقش بر جسته های پارتی، نقشی که شاه یا پهلوانی در حال کشتن شیری یا حیوانی باشد مشاهده نشده. تنها یک مورد را می توان شبیه دانست آنهم کشتی گرفتن پهلوانی احتمالاً پارتی با شیری در سنگ نگاره (Carved stone) کال چنگال بیرجند است. (تصویر شماره ۵)

در دوران ساسانی نیز نقشی بدینگونه بر روی سنگ حجاری نشده است.

تنها در محلی به نام سر مشهد که در مغرب جره و جنوب کازرون واقع شده است می توان از نقش برجسته بهرام (Wahram II) دوم (۲۹۳-۲۷۶م) پنجمین شهریار ساسانی نام برد.

در این نقش بهرام در حال کشتن شیر است « شیر دو بار نشان داده شده بار اول در حال پریدن روی بهرام و بار دوم در حالیکه مرده و در برابر پاهای او بر زمین افتاده است. پشت سر شاه، شاپور دخت ملکه اش ایستاده که نقش او روی سکه بهرام نیز دیده می شود. شاه در حمایت از ملکه اش او را با دست چپ در پشت سر خود نگاه داشته است»^۵

بطور کلی در دوره ساسانی پیروزی بر حیوان یک امتیاز شاهانه به حساب می آید. جالب زمانست که زورآزمایی میان دو قدرت ایران و روم آغاز گشت سرنوشت این زورآزمایی که بیشتر به نفع دولت ساسانی رقم می خورد در آثار بجای مانده مشهود است. دولت ساسانی حتی و توانایی خود را در عرصه هنر و فرهنگ نشان می دهد.

از میان ظروف سیمین وزرین بر جای مانده از دوره ساسانی می توان نقشهای مشابه نقش صخره ای جدید را یافت از جمله:

« نقش شاپور سوم (۳۸۸-۳۸۳م) در حال کشتن یک پلنگ است {او با دست چپ سر حیوان را نگه داشته و با دست راست خنجر را در پشت کمر حیوان فرو آورده.} در پشت

بشقاب مطلاً (gite) کتیبه ای سغدی احتمالاً متعلق به قرن پنجم میلادی به چشم می خورد، قطر ظرف ۲۷/۶ سانتی متر است «^۱ (تصویر شماره ۶)

« همچنین بر روی یک جام سیمین که با کار های دستی چون چکش کاری و قلم زنی تعبیه گردیده و قسمتهای از آن طلاکاری شده است، بر روی این جام تصویر شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹م) در حال شکار شیر نشان داده است قطر ظرف ۲۲/۹ سانتی متر و وزن آن ۸۲۸ گرم است»^۷

در این تصویر زیبا دو شیر در صحنه مشاهده می شود که یکی زیر پای اسب افتاده و دیگری روی دو پای بلند شده و شاپور نیز کمان خود را به طرف او نشانه گرفته است (تصویر شماره ۷)

در روی یک جام دیگر شاپور دوم! در حال کشتن یک گوزن است در این نقش شاپور حیوان را بر زمین زده و با دست راست شاخ گوزن را گرفته و سر او را به عقب کشیده و با دست چپ خنجر را بین دو کتف حیوان فرو آورده. این ظرف متعلق به سده ۴ میلادی و به یک مجموعه خصوصی تعلق دارد.

با توجه به آنکه ساسانیان خود را منتسب به هخامنشیان می دانستند به جرأت می توان گفت این نقش صخره ای تحت تاثیر نقش بر جسته های هخامنشی است. چرا که نظیر این نقش را با کیفیت بهتر در درگاههای شرقی و غربی تالار صد ستون و کاخ تچر از دوران هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) می توان مشاهده کرد.

« نقش شاه یا به گمان بیشتر پهلوانی را نشان می دهد که در چند جای گوناگون با چهار جانور نبرد می کند. یکجا با گاوی بسیار آراسته و زیبا، یکجا با شیری خشمگین، یک جا با همایی که بدن پستانداران را دارد و در جای دیگر با یکی از عجیب ترین جانوران، جانوری که بدنش از شیر و شاخ هایش از گاو الهام گرفته شده است و بال هایش مانند بال هما و دمش شبیه دم عقرب است پهلوان ما در همه جا با چهره ای آرام و مصمم و پراراده آستین های فراخش را بالا زده و چین های جامه بلندش را به کمر زده است و با این جانور نبرد می کند.



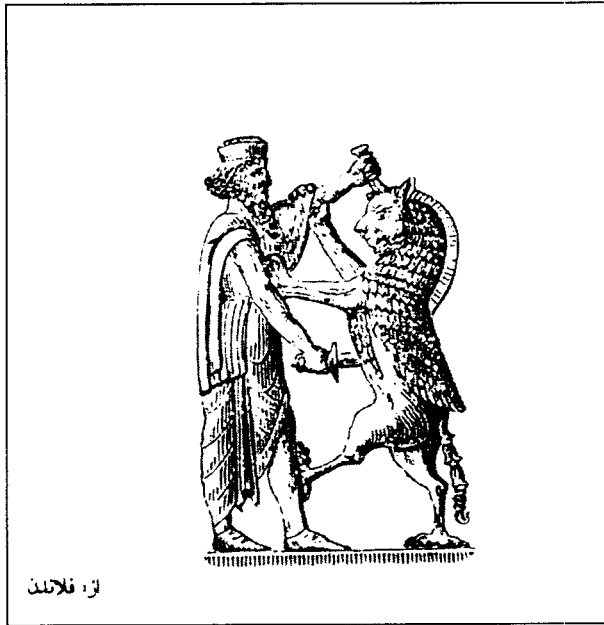
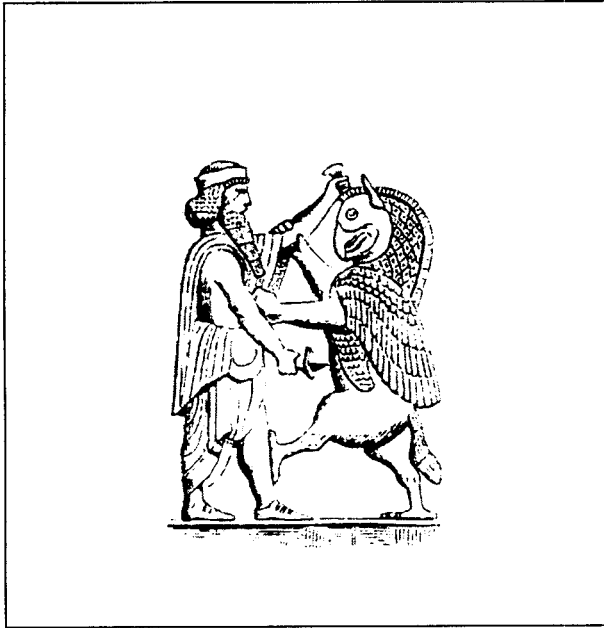
تصویر شماره ۵ - کال چنگال بیرجند. پهلوان پارسی در حال گرفتن
کشتی با شیر



تصویر شماره ۷ - جام سیمین - شاپور دوم در حال شکار شیر.
برگرفته از کتاب شاهکارهای ساسانی موزه آرمیتاژ



تصویر شماره ۶ - شاپور سوم در حال کشتن یک پلنگ برگرفته از کتاب
تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان.



از فلاند



تصویر شماره ۱ - نبرد پهلوان (یا شاه پلوان در تخت جمشید)

است بعضی از نویسندگان این جانور را نماد اهریمن و مظهر بدی و شر دانسته اند .
 اما شیر و گاو و هما و یا عقاب در ایران باستان هرگز بدین صفات متصف نبوده اند و به نیکی و احترام فراوان از آنان یاد می شده است . از دیدگاه ما این نقش بطور نمادین

او با یک دست شاخ حیوان را گرفته و با دست دیگر دشنه ای را به او فرو کرده است . این جانور دست و گریبان پهلوان را گرفته و با پای فشردن به گامهای استوار او قصد سرنگونی او را دارد . اما در هیچ جا موفق به این کار نشده

مقاومت و مبارزه و ایستادگی مردمان ایرا نی نژاد با مشکلات و دشواری های روزگار را به نمایش می گذارد.»^۸
(تصویر شماره ۸)

دلایل تعلق نقش به شاپور اول

- پیدا شدن نقش صخره ای جدید در مقابل نقش کوه پهنای داراب که متعلق به زمان قبل از تاجگذاری (ولیعهدی) شاپور اول است .

- اگرچه بیشتر محققین و باستان شناسان از جمله دکتر دیتریش هوف شاپور اول را از مشخصه کلاه کنگره دار با گوی بلند و لبه آویخته در دو طرف تاج می شناسند اما باید متذکر شد این نوع تاج در همه جا بر سر شاپور دیده نمی شود از جمله در نقش برجسته هایش . برای مثال، در نقش رستم، صحنه ای که شاپور دست والرین اسیر را گرفته و فیلیپ عرب ملتسانه در برابرش زانو زده تاج کنگره دار با گوی بلند بدون لبه آویخته بر سر دارد و باز در نقش برجسته های تنگ جوگان بیشاپور و نقش رجب چنین تاجی را می توان دید.

- اما بهترین نمونه تاج کنگره دار با گوی بلند بدون لبه آویخته را می توان بر سر مجسمه زیبای شاپور در غار (بیشاپور) مشاهده کرد. در حالیکه شاه ایستاده و یک دست بر قبضه شمشیر و دست دیگر به کمر است در زیر تاج موهای مجعد و آراسته شده به تاج جلوه بیشتری بخشیده.

- حتی بر روی برخی سکه ها، وی را با تاج بدون لبه آویخته (گوش پوش) نشان داده اند (تاج مجسمه شاپور و تاج بر روی برخی سکه ها قابل مقایسه با فرم تاج در نقش برجسته جدید است) می توان گفت شاپور اول دو نوع تاج داشت الف- یک تاج کنگره دار و با گوی بلند و لبه آویخته در دو طرف که بر روی اکثر سکه هایش دیده می شود.

ب- دوم تاج کنگره دار با گوی بلند بدون لبه آویخته ک در نقش برجسته هایش و برخی سکه هایش نمایان است با آنکه دکتر دیتریش هوف این نقش صخره ای جدید را (خصوصا از لحاظ فرم تاج شاهی) ردپایی از شاپور دوم می داند اما با توجه به دلایل فوق نبود این خصیصه در نقش برجسته جدید دلیلی بر وجود نقش شاپور دوم نمی باشد. با تمام ضایعات وارد

شده به نقش می توان مشخصه تاج گروه الف یعنی تاج بدون لبه آویخته را مشاهده کرد.

- در دارابگرد فارس شاپور تاج دیگری بر سر دارد. آن هم شبیه تاج پدرش اردشیر است برخی نقش را به اردشیر اول نسبت می دهند. اما باید به این نکته توجه داشت که شاپور اول است که گردیانوس، فیلیپ عرب و والرین (سرداران رومی)، را مغلوب خود می نماید که در صحنه نمایان است.

احتمالا این نقش زمانی حجاری شده که اردشیر شاپور را مدتها پیش به حکومت داری ایران شهر تعیین کرده و شاپور به حالت احترام کلاه اردشیر را بر سر دارد.

با توجه به پیروزی های متعدد شاپور اول بر دشمنان ، از جمله رقیب قدرتمندش دولت روم ، می توان این نقش جدید را سمبل قدرت و شجاعت وی به حساب آورد .

- همچنن دارابگرد از جمله مناطقی بوده که شاپور در زیر نگین حکومت خود داشته است.

از شاپور یکم حداقل هفت نقش برجسته به جا مانده است. که نقوش باقی مانده در فارس عبارتند از :

- یکی در نقش رستم نشان دهنده ای صحنه پیروزی شاپور بر دشمنانش است .

- دو نقش در نقش رجب : الف - صحنه گرفتن حلقه قدرت از اهورا مزدا

ب - شاپور به همراه درباریان

- یک نقش در دارابگرد ، صحنه پیروزی بر دشمن و به همراه درباریان

- دو نقش در کناره راست رودخانه شاپور و یک نقش در کناره چپ رودخانه شاپور (تنگ چوگان) که صحنه های پیروزی شاپور بر مخالفانش نشان می دهد و احتمالا یک نقش از شاپور اول در برم دلک وجود دارد اما به طور حتم نمی توان منسوب به وی دانست.

اگر این نقش برجسته رابه شاپور اول نسبت دهیم از منحصربفرد ترین نقوش به دست آمده از اوست زیرا در بیشتر نقوش حجاری شده از شاپور ، وی را در مرکز و بزرگتر از اطرافیان نشان می دهند کمتر از او نقشی منفرد داریم .



تصویر شماره ۹ - دارابگرد نقش برجسته شاپور اول برگرفته از کتاب
بیشاپور، جلد اول، گیرشمن

در زمان ساسانیان در حجاریها نقشی که شاه در حال نبرد باشد دیده نشده بجزیک نقش آن هم از بهرام دوم در سر مشهد کازرون ، که در حال دفاع از خانواده اش در برابر شیر است .

اما بیشتر این نقوش بر روی ظروف و جامهای سیمین و زرین تشریفاتی و درباری ظاهر می شود .

نقش جدید از این لحاظ منحصر به فرد و با ارزش است که در بیشتر نقش برجسته ها شاه در حال دریافت دیهیم شاهی است یا در میان درباریان و همراهان و مجلس تعظیم و تکریم و یا در حال نشان دادن پیروزیهایش بر دشمنان است.

احتمالا با توجه به این توضیحات می توان گفت که نقش جدید متعلق به شاپور اول پادشاه ساسانی است ، و تفاوت کلاه و تاج در این نقش با نقش برجسته کوه پهنای به دلیل تحولات دوره (قبل و بعد از پادشاهی یعنی تاج گذاری) و به احتمال قوی شاپور به احترام پدرش ادرشیر کلاه وی را بر سر دارد.

نتیجه

کشتن جانوران مهیب به دست شاه یا پهلوانان و نبرد با آنها در تمام دورانها و در هر ملتی به گو نه‌ای، و سبکی خاص به چشم می خورد .

و ریشه های آن را می توان در داستان های اسطوره ای و در عصرهای جدیدتر در نقش های بر جای مانده یافت .

خصوصا در خاور نزدیک این نمایش قدرت قدمتی دیرینه دارد .

این مضمون در ایران مانند دیگر ملل از دیر باز معمول بوده و می توان در کتاب شاهنامه فردوسی ریشه های آن را یافت .

از دوره هخامنشی بر درگاههای شرقی و غربی تالار صد ستون تخت جمشید و از دوران اشکانی به صورت سنگ نگاره می توان مشاهده کرد .

پی‌نوشت

- ۲- شاهکارهای ساسانی موزه ارمتیاژ، موزه ایران باستان
-تهران، وزارت فرهنگ و هنر
- ۳- گبر شمن، رمان، هنر ایران در دوران پارت و ساسانی
، ترجمه بهرام فره‌وشی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،
چاپ دوم ۱۳۷۱
- ۴- مرادی غیاث آبادی، رضا، تخت جمشید، انتشارات نوید
شیراز، چاپ اول، تهران ۱۳۷۹
- ۵- هرمان، جورجیتا، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران
باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ
اول ۱۳۷۳
- ۶- هوف، دیتریش داکتر، داراب پایتخت ایالتی، ترجمه
فرامرز سمیعی، پایتخت های ایران، محمد یوسف کیانی، تهران
، سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۷۴

- ۱- هوف، دیتریش (دکتر)، ((داراب پایتخت ایالتی))، ص
۱۹۷
- ۲- پرونده دادگستری فارس به شماره ۶-۸۲-۷۷ مورخ
۱۳۷۷/۴/۷، برگ دوم
- ۳- هرمان، جورجینا، تجدید حیات و تمدن، ص ۱۱۸
- ۴- مک کال، هنرین، اسطورهای بین‌النهرینی، ص ۷۵
- ۵- هرمان، جورجینا، تجدید حیات و تمدن، ص ۱۱۸
- ۶- همان، ص ۱۲۵
- ۷- شاهکارهای ساسانی -ارمتیاژ ص ۵
- ۸- مرادی غیاث آبادی، رضا، تخت جمشید ص ۵۴

منابع

- ۱- پرونده دادگستری فارس به شماره ۶-۲-۸-۷۷-مورخ ۷
۱۳۷۷/۴/۷، برگ دوم .